

تاجران اسلحه و بردگان گرسنه

خالد حاج محمدی

اخیرا موسسه سیپری (انستیتو بین المللی پژوهشهای صلح استکهلم) گزارشی از تولید و فروش اسلحه در دنیا را منتشر کرده است که قابل توجه است. طبق این گزارش درآمد تولید کنندگان بزرگ اسلحه در جهان در سال ۲۰۱۹ هشت و نیم درصد بیشتر از سال ۲۰۱۸ بوده است. بر اساس این گزارش درآمد حاصل از فروش اسلحه توسط این شرکتها ۵۰ برابر بودجه سالانه سازمان ملل برای ماموریتهای گروههای صلح بوده است. طبق این گزارش درآمد ۲۵ شرکت بزرگ تولید اسلحه در این سال ۳۶۱ میلیارد دلار بوده که این میزان برای از بین بردن گرسنگی در جهان تا سال ۲۰۲۰ کافی است. طبق این گزارش، ۱۲ شرکت آمریکایی که در لیست این موسسه قرار دارند ۶۱ درصد فروش سلاح در دنیا را در اختیار دارند و آمریکا مهمترین تاجر اسلحه جهان است. این گزارش تنها درآمد حاصل از فروش اسلحه است و اگر به این ارقام درآمد انواع شرکتها و کارتلهای بزرگ جهان، طلا و معادن و صنعت و ارتباطات، دارو، مواد غذایی، ماشین سازی ها، نفت، گاز، اینترنت و هزاران مرکز تولیدی و خدماتی و بانکی را حساب کنید، میزان سودهایی که عده ای معدود در جهان کسب میکنند، سر به آسمان خواهد زد. پولها و سرمایه ای که در تخیل هم نمیکشد. سودهایی که برای تامین رفاه و زندگی سرشار از امکانات و امنیت و شادی برای صد سال کل بشر کافی است. سودهایی که با آن میتوان همه امکانات پزشکی و مقابله با سیل، رسیدگی به محیط زیست، بیشترین امکانات برای رشد علم و دانش بشری و شکوفایی فرهنگ و تمدن و... را در دنیا به سادگی تامین کرد. اینجا کاری به سازمان ملل و هزینه هایی که صرف «تلاش برای صلح» میشود، نداریم. ... صفحه ۲



رویدادهای سیاسی هفته

- برگزیت؛ «شام آخر» یا قوز بالا قوز
- خوزستان در دام سیل و کرونا
- مذاکره بشود یا نشود...

فواد عبداللہی

- برگزیت؛ «شام آخر» یا قوز بالا قوز

مذاکرات پیرامون برگزیت کماکان در حاله ای از ابهام است. دوران پسابزرگزیت عملا سه هفته دیگر با پایان دوره انتقالی برگزیت که بریتانیا در جریان آن همچنان به مقررات اتحادیه اروپا پایبند است آغاز می شود. از دیدار بوریس جانسون و اورزولا فن درلاین به عنوان «آخرین بخت» برای جلوگیری از آغاز «بدون توافق» دوران پسابزرگزیت یاد می شود. آنچه تاکنون معلوم است، عدم توافق بروکسل و لندن برای هر دو طرف تبعات سنگین اقتصادی در پی خواهد داشت. مقامات اتحادیه اروپا مانند مسئولان بریتانیایی هشدار داده اند که حاضر به عقب نشینی از مواضع خود در مذاکرات نیستند. میشل بارنیه، مذاکره کننده ارشد اتحادیه اروپا گفته است که این اتحادیه «هرگز بازار مشترک خود را فدای دستیابی به توافق پسابزرگزیت نخواهد کرد».

در مقابل بوریس جانسون نیز گفته است که مواضع دو طرف همچنان از یکدیگر فاصله دارد. نخست وزیر بریتانیا هشدار داده که ممکن است کشورش و اتحادیه اروپا مجبور به پذیرش راه حل «بدون توافق» شوند. میشل بارنیه نیز احتمال عدم دستیابی به توافق با لندن را بیشتر از احتمال موافقت دو طرف با سندی درباره روابط تجاری دو جانبه دانسته است.

از سوی دیگر مایکل مارتین، نخست وزیر ایرلند گفته است که اگر مذاکرات طی «یک یا دو روز آینده» از بن بست کنونی خارج نشود سران اتحادیه اروپا مجبور خواهند شد طرح های احتمالی برای جلوگیری از اختلال اقتصادی به دنبال آغاز «بدون توافق» دوران پسابزرگزیت را بررسی کنند. مقامات اروپایی معتقدند که نیاز به اعطای امتیازات بیشتر به لندن وجود ندارد. در مقابل، دولت بوریس جانسون نیز نگران است توافق نهایی انگلیس و اتحادیه اروپا، مورد موافقت مجلس عوام و حتی برخی هم حزبی های وی (در حزب محافظه کار) قرار نگیرد. در چنین شرایطی، یقه درانی جانسون در مذاکرات برگزیت راه به جایی نخواهد برد.

از طرف دیگر، بریتانیا و جانسون در میانه پرونده برگزیت تنها مانده است. بوریس جانسون به این نتیجه رسیده است که دیگر نمی تواند روی آمریکای ترامپ حساب باز کند و از این منظر دچار کسست های سیاسی شده است. ترامپ با تشویق جانسون به خروج از اتحادیه اروپا قصد داشت تا شکاف گسترده در این بلوک به وجود بیاید و به نظر می رسد با آمدن «جو بایدن»، تا حد زیادی از این مساله پرهیز و خودداری خواهند کرد. ... صفحه ۲

همکاری دولت سوید و جمهوری اسلامی محکوم است!

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

روح فرسگرد در کالبد «سوسیالیستی»

در حاشیه حمایت از تروریسم اسرائیل در کمونیسم بورژوازی ایران

محمد فتاحی

ترور فخری زاده با عکس العمل نیروهای سیاسی از راست تا چپ، از تریک تا محکوم کردن، از نشان دادن ابعاد این ترور بر مبارزه و زندگی مردم تا سکوت رضایت بخش برخی نیروها و بالاخره دفاع رسمی از این ترور، روبرو شد. در میان نیروهای راست، فرسگرد رسما و علنا این ترور را بعنوان «دفاع از خود اسرائیل» توجیه کرده و آنرا تریک گفت. در میان نیروهای موسوم به چپ هم، که عموما سکوت رضایت بخشی کردند و «فهم» ترین شان با ادعای اینکه «این جنگ تروریست ها است و به ما مربوط نیست» تلویحا تروریسم دولتی اسرائیل را تأیید میکنند، محمد آسنگران «منتقد چپ» سیاستهای پرو ناتویسی حزب کمونیست کارگری، جسارت دفاع رسمی از تروریسم دولت اسرائیل را داشته که این نوشته اساسا نگاهی به این دفاع است... صفحه ۴

اطلاعیه های خبری دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

- گسترش اعتراضات توده ای در عراق؛ شکاف در حاکمیت
- دولت اقلیم کردستان جواب اعتراض به فقر و فلاکت را با گلوله داد
- مردم دفاتر دولتی احزاب حاکم در کردستان را به آتش کشیدند

آزادی برابری حکومت کارگری

در غیاب ترامپ، بوریس جانسون می‌داند که دقیقاً چگونه و به چه کسی باید تکیه کند. به نظر میرسد که سرگردان و در میان امواج دریا راهی جز تن دادن به قواعد بازی اتحادیه اروپا نداشته باشد.

حتی اگر میان این دو توافق مقطعی و کوتاه‌مدت حاصل شود، می‌تواند از آن به‌عنوان سند مبنایی برای توافق نهایی در دوران پسابزرگیت یاد کرد. با وجود اینکه بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شده اما هنوز اعداد و ارقام تعرفه‌ها و مسائل مالی و سیاسی مشخص نیست. هنوز مساله ایرلند و اسکاتلند مشخص نشده که‌اینکه در اسکاتلند نخواستار پیوستن به اتحادیه اروپا باشد و اسکاتلند مشخص استقلال و زیر سوال بردن تمامیت ارضی بریتانیا به گوش می‌رسد و تمام این مجموعه را می‌توان مشکلات امروز بوریس جانسون و بریتانیا دانست. مساله مهمتر از این موضوعات، بحث سرنوشت سه میلیون کارگر بریتانیایی است که در کشورهای اتحادیه اروپا مشغول به کار هستند و همچنین دو میلیون کارگر اروپایی که در انگلستان ساکن هستند؛ هنوز مشخص نیست که این جمعیت میلیونی نیروی کار قرار است به خاک بریتانیا یا اتحادیه اروپا منتقل شوند یا اینکه در کشورهای دیگر می‌توانند مشغول کار باشند.

توافقات اقتصادی بر سر چگونگی برگزیت ساده نیست و در یک «شام آخر» به نتیجه مشخص نمی‌رسد. هنوز برای سال‌های طولانی، مذاکرات پیچیده‌ای پیش روی بریتانیاست. بریتانیا منافع اقتصادی کلانی را که در توافقات با اتحادیه اروپا و شرکای این اتحادیه داشته است از دست خواهد داد. طبق پیش‌بینی خود دولت بریتانیا، سال‌هایی طولانی برای مذاکره و چانه‌زنی با اتحادیه برای خروجی با حفظ برخی امتیازات پیش‌بینی می‌شود. همین مقدار سال یا بیشتر برای مذاکره با شرکای خارج از اتحادیه و برای مذاکره در مورد قراردادهای جدید با اتحادیه اروپا لازم است. ضمن آنکه تا زمان نهایی شدن گسست بریتانیا از اتحادیه، این کشور نمی‌تواند با شرکای خارج از اتحادیه اش قراردادی امضا کند. حتی در آن دسته از سناریوهای مورد بررسی که بریتانیا با اتحادیه اروپا بر سر توافق تجارت آزاد، به نتیجه رسیده باشد (مشابه با توافق اتحادیه اروپا و کانادا که هفت سال به درازا انجامید تا عملی شود)، هر خانوار بریتانیایی فقیرتر می‌شود و در حدود ۴۲۰۰ پوند (حدود ۵۴۰۰ پوند) از درآمد سالانه خود را از دست می‌دهد. طبق این بررسی‌ها، تولید ناخالص داخلی این کشور از امروز تا ۲۰۳۰ در حدود ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی‌ای خواهد بود که بریتانیا می‌توانست با حضور در اتحادیه به دست آورد. برگزیت بدون توافق یا با توافق، هم اکنون پیامدهای جدی اقتصادی برای شرکت‌های بریتانیایی در خصوص جذب سرمایه‌گذاری به بار آورده است. به نقل از سازمان تجارت جهانی در دوره گذار، موانع تجاری می‌تواند با پرداخت ۵.۶ میلیارد پوند سالانه حق گمرکی از طرف صادرکنندگان بریتانیایی رفع شوند. مشخص نیست بخش‌های تولیدی کارخانه‌ای، مانند هوانوردی ایرباس و بی‌ام‌دی‌ویو چه برخوردی با این تعرفه‌های گمرکی جدید خواهند داشت. در همین خصوص، خودروسازی هوندا در بیانیه‌ای اعلام کرد که تولید چهارشنبه ۹ دسامبر به دلیل تاخیر در تامین قطعات متوقف شده است. این کارخانه در جنوب انگلیس، در غرب لندن، تنها کارخانه این غول ژاپنی در اروپاست و قرار است در سال ۲۰۲۱ با حذف ۳ هزار و ۵۰۰ فرصت شغلی تعطیل شود. این کارخانه با سیستم «درست به موقع» کار می‌کند که به معنای آن است که قطعات یدکی درست پیش از مونتاژ تحویل داده می‌شوند و هیچ انباری در کار نیست. همین مسئله تولید را در برابر هرگونه اختلال در شبکه تامین قطعات حساس می‌کند. هوندا هم مانند بسیاری از شرکت‌ها با اذحام در برخی بنادر بزرگ انگلیس رو به رو شده است که در هفته‌های اخیر با موج گسترده کانیتیرها مواجه شده اند. بعلاوه اینکه مرکز ملی آمار انگلیس اعلام کرده است که دو سوم مشاغل در این کشور به علل گوناگون از قبیل همه‌گیری کووید ۱۹، بی‌ثباتی‌های ناشی از خروج این کشور از اتحادیه اروپا و ناتوانی در رقابت‌های بین‌المللی در خطر تعطیلی قرار دارند. سونامی بیکارسازی‌های وسیع طبقه کارگر و کوچ غول‌های اقتصادی از انگلیس براه افتاده است. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی تا پیش‌ازاین، از بریتانیا به‌عنوان دروازه ورود به اتحادیه اروپا استفاده می‌کردند، حال بسیاری از این شرکت‌ها درصدد تغییر موقعیت مکانی خود و خروج از بریتانیا هستند. از این نقطه نظر، قطعاً سرمایه‌های مالی در بریتانیا از روز اول خواهان برگزیت نبوده است؛ سرمایه‌گلوبال است و خواهان تسریع روند سودآوری و گردش آزادانه سرمایه است و قید و بند نمی‌شناسد. برگزیت به لحاظ اقتصادی و تجاری

در مقابل قوانین سرمایه‌های مالی محکوم به شکست است. بوریس جانسون پس از «دیوید کامرون» و «ترزا می» سومین قربانی طرحی می‌شود که حرکت سرمایه‌های را دچار دست انداز می‌کند.

به لحاظ سیاسی، برگزیت به یک ناسیونالیسم افراطی و به یک نژادپرستی کور در جامعه بریتانیا دامن زده است. چند روز پیش هواداران تیم فوتبال «میلوال»، بازیکنان خودی را هنگام احترام به نشانه حمایت از جنبش ضد نژادپرستی «جان سیاهان اهمیت دارد» هو کردند. «برنامه حق اجاره» که بر اساس آن مالکان اقامتگاه‌ها و مدیران مراکز مختلف باید وضعیت ویزا و حساب بانکی مستأجران خود را چک کنند، با وصف اینکه مورد انتقاد شدید افکار عمومی قرار گرفت اما کماکان در برخی اماکن اجرا می‌شود. چنین قانونی بیمارستان‌ها، بانک‌ها و حتی مراکز اقامت خصوصی را به پست‌های بازرسی مرزی تبدیل کرده است. برگزیت به عادی شدن نفرت و شکاف ناسیونالیستی در جامعه بریتانیا منجر شده است. پارسال انتشار گزارش سازمان ملل پیرامون رسوایی موسوم به «ویندراش» سر و صدای زیادی در بریتانیا به پا کرد. «نسل ویندراش» مهاجرانی که از کشورهای کارائیب بودند که بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۷۱ در بریتانیا سکن گزیدند. مهاجران مسافر کشتی «ویندراش» شامل کارگرانی از کشورهای جامائیکا، ترینیداد، توباگو و دیگر جزایر بودند که به علت قحطی نیروی کار بعد از جنگ جهانی دوم به بریتانیا آمدند. با این حال، سیاست‌های اتخاذ شده از سوی وزارت کشور بریتانیا در دوران برگزیت، اثبات حقوق شهروندی اعضای فاقد ویزای این نسل را سخت‌تر کرده است. ماحصل اقتصادی و سیاسی برگزیت، چیزی جز فرو رفتن بیشتر جامعه انگلستان در باتلاق بیکاری، فقر و دشمنی کور ناسیونالیستی مابین کارگران «بریتانیایی» با نیروی کار کارگران «خارجی» نیست.

هرچه هست بلاخره اواخر دسامبر و اوایل ژانویه سال جدید همگی ما، جهان پسابزرگیت را خواهیم دید که جناب بوریس جانسون اینبار بدون سپهر و حائل «برگزیت» چانه‌اش را از پلاک شماره ۱۰ «داونینگ استری» بیرون کشیده است و عریه می‌کشد که: «دوستان من، آزادی می‌تواند ترسناک باشد. آزادی می‌تواند نیش بزند. وقتی برای اولین بار قصد دارید از خانواده جدا شوید و مستقل زندگی کنید، آزادی می‌تواند مانند یک شوک عمل کند. پول کم است، اتاق راحت نیست، لوله‌کشی و سرویس ساختمان و تخت‌خوابتان زنگ زده‌اند و باب طبع شما نیست. اما به محض شنیدن آزادی، به ندرت می‌خواهید به گذشته برگردید. بنابراین دوستان من، ماه‌های اول سال جدید ممکن است سخت و طاقت‌فرسا باشند. دشمنان ما می‌خواهند شکست ما را ببینند. اولین قدم‌ها ممکن است سخت باشد اما به من اعتماد کنید که در سال‌های آتی انگشت به دهان خواهید ماند که چرا این همه سال در رسیدن به آزادی تردید کردیم»...

آیا جامعه بریتانیا در دوران پسابزرگیت به چنین دیوانگانی مجال خواهد داد که چین و چروک‌هایشان را دوباره اتو کنند و به سطح معیشت و رفاه شهروندان کماکان تعرض کنند؟ آیا عرصه سیاست در انگلستان کماکان عرصه گردن‌کشی و دهن‌گچی نیروهای دست راستی به حقوق مردم خواهد ماند؟ آنچه معلوم است سال آتی، سال جدال و کشمکش حاد سیاسی پایین با بالا خواهد بود. به سال نو جدال سیاسی و زورآزمایی شهروندان در برابر هیئت حاکمه انگلستان خوش آمدید!

• خوزستان در دام سیل و کرونا

هنوز کشتارگاه ویروس کرونا به «همت بلند» دولت که منجر به مرگ هزاران هزار نفر از مردم ایران شده است، مملو از خون و جسد است که ناگهان خبر رسید برخی از شهرهای جنوبی ایران زیر سیل رفته‌اند. مردم به حق دولت را زیر ذره‌بین گرفته‌اند و انگشت اتهام را به سمت این ارگان آدم‌کشی نشانه رفته‌اند؛ اگر قبل از کرونا و در دوره‌های گذشته شاهد همبستگی انسانی در کمک‌های امدادی شهروندان با تشکیل کمیته‌های مردمی در سطح شهرهای ایران به مناطق آسیب‌دیده و بحرانی بودیم اما متأسفانه پاندمی کرونا کاری کرده است که این زنجیره انسانی در کمک‌رسانی‌های مردمی به مناطق بحرانی و سیل‌زده مختل شود. مردم سیل‌زده می‌گویند دولت طبق معمول، کاری نمی‌کند. نیروهای سپاه را به این مناطق گسیل داده‌اند تا مانع بروز اعتراضات مردم به مقامات دولتی شوند و مردم را ساکت کنند. عامل فقر و محرومیت از ابتدایی‌ترین امکانات و نیازمندی‌های زندگی، تخریب محیط زیست و بلاخره عدم کمک‌رسانی، کسی جز جمهوری اسلامی نیست. ... ادامه در صفحه بعد

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

باید یقه این حاکمیت فاسد و دروغگو را گرفت؛ باید خواستار جبران خسارت شد. نباید گذاشت دولتی که غاصب دارایی‌های مملکت است از زیر بار مسئولیتی که بر دوشش قرار گرفته است، شانه خالی کند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی و مقامات ریز و درشت آن مانند همیشه با وعده‌های پوچ، به بهانه بحران کرونا، تحریم و شرایط نابسامان اقتصادی از زیر بار مسئولیت این فجایع فرار کنند. تامین امنیت، سلامت و زندگی لحظه به لحظه شهروندان جامعه به عهده دولت است. بازسازی سریع مناطق سیل‌زده، برای تامین امنیت زندگی بازماندگان امر دولت است. تنها با اتحاد و همبستگی می‌توان این حق را از حلقوم دولت بیرون کشید.

• مذاکره بشود یا نشود...

به دنبال لایحه اخیر مجلس حول «تصویب کلیات طرح کاهش تعهدات هسته‌ای و شروع غنی سازی ۲۰ درصدی»، معلوم است که هر سه قوا از مجلس و قوه قضائیه تا دولت، خواهان مذاکره با آمریکا هستند و بر کسی پوشیده نیست؛ دعوا بر سر نفس مذاکره نیست؛ مشکل اینجاست که آمریکا یا هر دولت دیگری محال است با دولت روحانی که تنها چند صباحی به پایان عمرش باقی است، مذاکره کند. واقعیت اینست که روی دست جمهوری اسلامی، دولتی به جامانده که نه می‌توان پشت آن قائم شد و نه می‌توان با تیر مشقی به هدف شلیک کرد. اولاً، دولت آمریکا با سرکار آمدن بایدن، مشغول رتق و فتق بحران‌های داخلی است و شکاف روابط با اروپا را ترمیم می‌کند. فعلاً عجله‌ای هم در رسیدگی به کیس ایران ندارد. بنابراین، مذاکره با دولتی که نفس‌های آخر را می‌کشد و میان مجلس و قوه قضائیه به توپ فوتبال شبیه است، دور از منطق است. خط و نشان کشیدن‌های مجلس برای دولت و برعکس، تبلیغات انتخاباتی بیش نیست؛ بازی جناح‌هاست. بالماسکه‌ای است که به خیال آقایان قرار است مردم را در انتظار معجزه مذاکره با آمریکا در دولت بعدی نگاه دارد. مذاکره بشود یا نشود خبری از گشایش اقتصادی نیست، همانطور که در دوره برجام هم نبود؛ لغو همه تحریم‌ها هم که به اجرا درآید، سرمایه‌گذاری بلندمدت و نجات اقتصاد ایران قبل از هرچیز به خاورمیانه امن و سپس ایران «امن» نیاز دارد! در این شرایط دامن‌زدن به فضای انتظار، تعرض به سطح معیشت و تضمین سکت نگاه‌داشتن محرومان که کوچکترین روزنه اقتصادی و رفاهی در مقابل خود نمی‌بینند، مهمترین رکن سیاست همه جناح‌هاست.

امروز اسلام و اسلامیت و دشمنی با آمریکا را همه جناح‌ها حراج کرده‌اند؛ بحث بر سر نجات کشتی فرسوده سرمایه و نظام است. شعاع دید همه جناح‌ها از ماندن و نماندن جمهوری اسلامی به یک متر هم نمی‌رسد. از روزنامه «جمهوری اسلامی» بشنویم که خطاب به دعوی اخیر دولت و مجلس گفته است که: «اشتباه محض است که آقایان خیال کنند راه برای انتخابات ۱۴۰۰ هموار می‌شود برعکس با این اقدامات حتما موقعیت حداقلی فعلی را نیز از دست خواهیم داد... فقط این امیدواری باقی است که این دعوها در حد یک حرکت سیاسی نمادین در پاسخ به ترور شهید فخری زاده باقی بماند، و مراجع بالا دستی از بروز تبعات سنگین این اقدامات که ناراضیتی عمومی را نشانه رفته است، جلوگیری نمایند...»

درست است، کشمکش مردم با حاکمیت، کشمکشی بر سر مذاکره با آمریکا نیست؛ مذاکره بشود یا نشود، تحریم‌ها لغو شوند یا نشوند، توقعات فروکوفته میلیون‌ها نفر و خطر قیام محرومان علیه حاکمان، که از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ عروج کرده است مولفه‌ای است که بر سر جای خود کماکان باقی است. کرونا تا ابد باقی نمی‌ماند؛ زبان جامعه علیه این نظام، علیه حاکمیت هار استبداد درازتر شده است. انزجار از پدیده متعفن جمهوری اسلامی از سر و کول جامعه بالا رفته است؛ طوفان‌های بنیادی‌تری بر سر رفاه و آزادی پس از کرونا در راهند که کشتی حاکمیت را با مخاطرات جدی روبرو خواهد کرد. باید به استقبال این دوران رفت.

همکاری دولت سوید و جمهوری اسلامی محکوم است!

دولت سوئد بار دیگر سعی بر این دارد که به بهانه شکایت مقامات جمهوری اسلامی، دست به بازجویی از معترضین و شرکت کنندگان در تظاهرات های مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم بزند. اخیراً، یکی از معترضین برای بار دوم به بازجویی فراخوانده شده است تا به شکایت رسیدگی کند.

جمهوری اسلامی همواره سعی کرده است تا موانع متعددی در مقابل هرگونه اعتراض در خارج از کشور ایجاد کند. اگر در دوره ای مستقیماً با حربه ترور در خارج، و یا سپس با اتکا به پلیس بین المللی و پرونده سازی در اینترنت پول این امر را به پیش می برد، امروز با شکایت بر اساس قوانین موجود در مثلا سوئد اقدام کرده است تا همان هدف تحدید اعتراض به خود را انجام دهد. اما طی ۴۰ سال اخیر، پیوستگی و ربط مستقیم اعتراض علیه جمهوری اسلامی در داخل و خارج از ایران، هر بار این سیاست های جمهوری اسلامی با شکست مواجه کرده است. همچون داخل ایران، جمهوری اسلامی قادر نبوده و نخواهد بود جلوی صف عمومی مردمی که کل این حکومت را به رسمیت نشناخته و برای سرنگونی آن تلاش می کنند را بگیرد.

اینبار دولت سوئد نیز با بازجویی از معترضین به این حکومت، یکبار دیگر بیهوده سعی دارد تا همراهی خود با جمهوری اسلامی را نشان دهد. جامعه و مردم در سوئد نیز، بر خلاف انتظار این دولت، حاضر به پذیرفتن احکام صادره برای خفه کردن صدای اعتراض علیه این حکومت نبوده و نیستند.

شکی نیست که نه تنها ایرانیان در سوئد، بلکه مردم آزادیخواه این کشور همچون مردم در ایران و دیگر کشورها نیز، این خوشخدمتی های امروز دولت سوئد را بخشی از دورویی و پوچی «دمکراسی اسکاندیناوی» می دانند. در حقیقت به همین دلیل است که دولت سوئد، با دستچین کردن و بازجویی از معترضان به بهانه های «قانونی»، هراس خود از صف عظیمی که مقابل هرگونه تعرض به حق اعتراض حی و حاضر در جامعه حضور دارد را به نمایش گذاشته است. با اتکا به همین صف عظیم است که این اقدام دولت سوئد را می بایست در همینجا عقیم کرد.

«دنیا بدون فراخوان

سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم و

بدون خطر

سوسیالیسم به

چه منجالی بدل میشود..»

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

تاجران اسلحه و بردگان گرسنه...

سازمان ملل خود در تمام طول تاریخ وجودش ابزاری در خدمت همین دولتهای بزرگ جهان و صاحبین اصلی سرمایه و اسلحه فروشها و «لردهای جنگ» و جنایت بوده اند. «مدافع صلح» بودن سازمان ملل به همان اندازه واقعی است که «مدافع حقوق بشر» بودن، «مدافع حقوق کودک» بودن، «مبارزه با تروریسم» و گرسنگی در جهان توسط همین دولتها و در راس آن همان اقلیت کوچک تاجران اسلحه و صاحب سرمایه ها و امکانات موجود جهان است.

بر اساس همه امار و ارقام طی چند دهه اخیر جهان تحولات بزرگی را در زمینه رشد تکنیک و تکنولوژی و صنعت و... از سر گذارنده است، دستاوردهای بشریت در این زمینه ها در نظام کاپیتالیستی نتایج معکوس خود را داشته است. دنیا هر چه پولدارتر و صاحب امکانات تر میشود، هر چه امکانات برای بهتر زیستن، مرفه تر زیستن و امن تر زیستن افزایش می یابد، انسانها گرسنه تر، محتاج تر، تولید و خرید و فروش اسلحه های مهیب بیشتر، جنگ و کشتار وسیعتر، تخریب محیط زیست بیشتر، دنیا ناامن تر و توحش و بربریت بیشتر میشود. امری که امروز چند میلیارد انسان در این کره خالی با گوشت و پوست آنرا لمس میکنند. به هر میزان سرمایه و امکانات افزایش می یابد، توحش و بربریت بیشتری بر جهان حاکم، جنگ و جنایت، آوارگی و خانه بدوشی بیشتری به بشریت تحمیل و گرسنگی و فقر بیشتری زندگی جهانیان را به تباهی میکشاند. تباهی جهان، گسترش جنگ، ویرانی، خانه خرابی، فقر و فلاکت و ناامنی، آوارگی میلیونی و کشتار مردم بیگناه و... همه و همه مقتضیات سرپا ماندن و ادامه حیات نظام کاپیتالیستی است. اساس نظام موجود بر جهان بر اساس تولید برای سود، بر اساس تبدیل بخش بزرگ انسانهای جوامع بشری به بردگان مزدی و فروشندگان نیروی کاربرای سیر شدن شکم، به تولید کنندگان اصلی و تامین کنندگان سود بیشتر برای همان اقلیت، است. هزینه های که مولتی میلیاردهای جهان توسط دولتهای حاکم به عنوان ابزار حاکمیت سرمایه و قدرت خود بر جهان، خرج خرافات و مذهب و مهندسی افکار میکنند، باور نکردنی است. ۹۹ درصد تولیدات رسانه های رسمی جهان، پخش دروغ، جعلیات با هدف فریب مردم و حفاظت از همین سیستم های حاکم است. قوانین و پارلمان و خدا و نمایندگان روی زمین، میهن و ملیت و میهن پرستی و... همگی ابزار تحمیلی و تسلیم جهانیان برای سرفرو آوردن در مقابل همین اقلیت است. اینها خود خدایان حاکم بر جهانند، فرعون های سوره های کتابهای «مقدس شان» هستند که خرافه و فرهنگ و تاریخ و دین و همه چیز را در خدمت حفظ جهالت و احمق کردن انسانها صرف میکنند تا جهان به همین صورت بماند. ماندگاری این سیستم و این جهان با همه وجوه آن، با قانون و سیاست، تئوری، هنر، ادبیات، مذهب، مقدسات و اخلاقیات و فرهنگ و سنت حاکم بر جهان، جملگی در خدمت حفظ این سیستم و نابود کردن فیزیکی، روحی و اجتماعی اکثریت محروم جامعه است. تاریخ دوپست سال گذشته این نظام، تاریخ تحمیل جهالت، تاریخ تحمیل بردگی و تبدیل فرودستان دوره برده داری و فئودالی به کارگر به عنوان برده مزدی و تاریخ جنگ و جنایت وسیع همین حاکمین است.

اما این سرنوشت محتوم ما نیست. ثروت و سامان این جامعه، پول و امکاناتی که موجود است، اساسا بر دوش و به نیروی کارکن جامعه بشری، توسط طبقه کارگر و همین میلیاردها انسانی تولید و تامین میشود که خود به نان شب محتاج است. اما بشریت قرار نیست و نباید تا ابدیت حاکمیت مشتی پولدار جهان را بر خود قبول کند. آنچه اینها را در مقام خود حفظ کرده است، آنچه اینها را بر روی پای خود پایدار نگهداشته است، علاوه بر اجیر کردن و به خدمت گرفتن نیروی سرکوب، تحمیل و تحمیل جهل و خرافه به نام حقیقت به ما بردگان جهان معاصر است. وارونه کردن حقایق، تبلیغات وسیع علیه امیال و آرزوهای انسانی و برابری طلبانه ما و نیاکان ما، علیه آرمانهای عدالتخواهانه طبقه کارگر جهانی و انسان آزاده برای رفاه و بهبود و عدالت، علیه کمونیسم و یک رهایی سوسیالیستی و حقتنه کردن اینکه اینها همگی سراب و خواب و خیال است، بخش بزرگی از پایه های حفظ این نظام است. حاکمیت اینها بدون تن دادن نیروی ما، بدون قناعت و تسلیم سیاسی و فکری طبقه ما به خرافات و به «توان لایزال» مشتی انگل که جهان را در دست دارند، ممکن نیست.

حکام جهان بدون ما و بدون نیروی ما، خود چیزی جز مشتی انگل و حواریون آنها که از این راه ارتزاق میکنند، نیستند. راه نجات چیزی نیست جز به زیر کشیدن حکام کنونی و سیستم حاکم بر جهان و جایگزینی آن با نظمی نوین

و انسانی که مینا و پایه و اساس آن تولید برای رفع نیازمندی های بشریت است. این کار ما تولیدکنندگان و تامین کنندگان همه نیازهای جهان و از جمله سرمایه های وسیع مولتی میلیاردهای حاکم است. این کار طبقه کارگر جهانی و کار کمونیستهای این طبقه است. اگر اقلیتی کوچک با اتکا به پول و سرمایه های غصب شده، با اتکا به برده کردن میلیاردها انسان و تلاش برای حفظ این بردگی، میتوانند جهان را در زندانی بزرگ و با تحمیل توحش و بربریت به نام قانون و نظم جهان، به بردگی بکشند و سود کسب کنند، چرا این اکثریت عظیم نتوانند جهانی برابر و انسانی را جایگزین کنند.

کمونیسم و یک رهایی سوسیالیستی برای نجات بشریت چیزی جز خلع ید قدرت از این اقلیت و سپردن قدرت به صاحبان این جهان و پایان بردگی و کار مزدی نیست. اما نباید تردید کرد که حاکمان بر جهان، دولتهای موجود از هر نوع آن، از شرقی و عقب مانده، تا غربی و به اصطلاح «متمدن» آن، در مقابل طبقه کارگر تا آخر خواهند جنگید. گرفتار قدرت از اینها و اعمال حاکمیت طبقه کارگر جز از راه زور و انقلاب و قیام توده ای ما به زنجیر کشیده شدگان مقدور نیست و این ممکن است و در حقیقت کم مشقت ترین راه است.

جهانی دیگر فارغ از ظلم و ستم، فارغ از تبعیض و بی حقوقی، فارغ از جنایت و جنگ و توحش افسار گسیخته، دنیای مرفه و آزاد و برابر ممکن است. این کار خود ما، خود بردگان مدرن این جهان، خود سازندگان این جهان با دست خود و با اتکا به نیروی وسیع خود است. انقلاب کارگری همین امروز و فوری نه تنها مقدور و ممکن که بعلاوه تنها راه و انسانی ترین راه نجات بشریت است. دنیای کنونی از جهل و تعفن سرمایه، از جنایت و توحش سرمایه داران، از تولید خرافات لبریز شده است و بوی تعفن آن حتی با نابودی و پایان سلطه اش برای قرنهای به عنوان آثار توحش انسان باقی خواهد ماند.

گسترش اعتراضات توده ای در عراق، شکاف در حاکمیت

اطلاعیه خبری شماره ۴ دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

اعتراضات توده ای برای سومین روز متوالی در شهرهای مختلف کردستان عراق منجمله شهرهای رانیه، چمچمال، قلادزی، سید صادق، پیره مگرون و دربندیخان همچنان ادامه دارد. اعتراضاتی که در صفوف حاکمیت و نیروی سرکوب آن شکاف انداخته است. آخرین خبرهای رسیده حاکی از این است که امروز شهر سید صادق به کنترل مردم معترض در آمده و نیروهای سرکوبگر دولت اقلیم از شهر سلیمانیه راهی این شهر شده اند. در شهر رانیه درگیری نظامی میان مردم و نیروهای سرکوب دولت اقلیم در جریان است و تعدادی از نیروهای پیشمرگان به صف مردم پیوسته اند. مسئول پلیس شهر چم چمال امروز اعلام کرده است نیروی پلیس این شهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه و وضعیت وخیم معیشتی خود دست از کار میکشند واز مردم این شهر خواسته است که راسا مسلحانه از زندگی و شهر خود دفاع کنند. جاده شهر کلار به سلیمانیه توسط زنان معترض «دربندیخان» مسدود شده است. زنان معترض مانع حرکت کامیونهای نفت شده اند. تعدادی از نمایندگان پارلمان درمحل پارلمان دست به تحصن زده و اعلام کرده اند تا قطع خشونت دولت، اعتصابشان ادامه دارد. علاوه بر این دو نماینده پارلمان عراق از سفارت آلمان درخواست کرده اند برای آزادی دستگیر شدگان در شهرهای دهوک و اربیل که از طرف حزب بارزانی دستگیر شده اند پا درمیانی کنند و حزب بارزانی را برای آزادی دستگیر شدگان تحت فشار قرار دهند. در این میان رئیس دولت اقلیم، مسرور بارزانی، در اوج بیشرمی در جواب به اعتراض مردم به فقر و فلاکت و فساد مالی دولت، احزاب و رهبری این احزاب، اعلام کرده است مردم معترض باید بقیه حکومت بغداد را بگیرند چرا که مسئولیت پرداخت حقوق به عهده دولت مرکزی است. مردم کردستان عراق شایسته زندگی مرفه و آزاد و خلاصی از جهنمی اند که دولت اقلیم و احزاب قومی و مذهبی برای آنان درست کرده اند.

زنده باد مبارزات مردم آزادپخواه کردستان عراق
دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۹ دسامبر ۲۰۲۰

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران



میدانند. تا اینجا قضیه، اینها هم مانند خیلی از جریان‌های دیگری که مثل اینها خود را به چپگرایی و کمونیسم متهم میکنند، به دلیل منافع سیاسی، ادعای امریکا و اسرائیل را جدی گرفته و عین فرمولهای مورد ادعای آنها را قورت داده اند. همانطور که پیشکسوتان ایشان در حمله امریکا به عراق ادعای وجود سلاح های کشتار جمعی از طرف دولت عراق را بعنوان مجوز حمله به عراق را قورت داده بودند.

در دنیای واقعی اما، لازم نیست کمونیست بود تا فهمید که کشمکش امریکا با حکومت هایی مانند جمهوری اسلامی و کره شمالی و لیبی و سوریه و کوبا و عراق صدام حسین و... نه به دلیل خطر واقعی اینها برای کسی، بلکه به دلایلی چون باغی بودن این دولتها و مهمتر از آن، محملی برای حل و فصل کشمکش با قدرتهای امپریالیستی و تقسیم قدرت در منطقه است. خطر ایران هسته ای به اندازه خطر دولت عراق مسلح به سلاح های کشتار جمعی دلیل کشمکش امروز امریکا با جمهوری اسلامی است. برای کل اردوی غرب، حقوق بشر و دمکراسی و کالاهای بنجل دیگرشان چیزی جز محملی برای فشار به دولت ها و قدرت های مخالف و رقیب شان نبوده و نیست.

میگویند جمهوری اسلامی تروریست و تروریست پرور است. باید گفت بر منکرش لعنت! ولی آیا نیرویی که مجاهد افغان و طالبان و القاعده و داعش و النصر و صدها باند و گروه جانیکار دیگر را تحویل جامعه بشری داده و کودتاهای پر شمار اینجا و آنجا سازمان داده و بیش از هفتصد فقره طرح ناموفق فقط برای ترور فیدل کاسترو، ریخته است و ... صلاحیت مبارزه با ترور و تروریسم را دارد؟!

کادر حزب کمونیست کارگری مدعی است که در جنگ دو رژیم تروریستی ایران و اسرائیل، در کنار مردم ایستاده و از کشته شدن عناصر مهم رژیم اسلامی خوشحال است. توضیح میدهند که در جنگ تروریست ها جبهه سومی هم وجود دارند که این سومی جبهه مردم است. میگویند که مردم ایران میخواهند سر به تن جمهوری اسلامی نباشد و ایشان توضیح میدهد که او هم مانند همین مردم از این واقعه خوشحال است.

اولا برای کسی که خود را کمونیست میدانند، احساسات و قضاوت ها و نظرات «مردم» مبنای اتخاذ سیاست نیست. مردم روزی میتوانند روایت بی بی سی را قبول کنند و عکس خمینی را در ماه ببینند، میتوانند روزی به هیتلر رای دهند، میتوانند تحت تاثیر هویت ارتجاع ملی آذربایجانی و ارمنی، تشنه خون هم شوند. مردم ایران به جمهوری اسلامی رای آری دادند، مردم امریکا هم چهار سال پیش به ترامپ رای دادند و امروز هم بخشی از این جامعه برای به قدرت رسیدن خود آماده جنگ داخلی است. در تمام این نمونه ها، «کمونیستی» که شریک احساس و مواضع «مردم» شود، در بهترین حالت از آن مردم عوام تر، کوتاه بین تر و در امر تشخیص مصالح سیاسی طبقه کارگر و مردم، بی صلاحیت ترین های دنیای سیاست است. «مردم» مد نظر آسنگران یک ابداع پوپولیستی از جنس همه ناسیونال پوپولیست های عصر امروز است، که عوامرئیبی هایشان را با رنگ و لعاب «مردمی» به عوام قالب میکنند.

اما اجازه بدهید برای لحظه ای پرچم عوامرئیبی پوپولیستی ایشان را جدی گرفته و آن را باور کنیم. باور کنیم که ایشان در مقابل تروریست های درگیر، همراه «مردم» ایستاده و مانند «مردم» برای کشته شدن یکی از دو طرف خوشحال میشوند. سوال اینجاست آیا آسنگران با همین استدلال از ترور بعدی که به دست جمهوری اسلامی در اسرائیل اتفاق می افتد هم خوشحال است؟ بطور مثال، اگر ترور کسی مانند نتانیاها، که پرونده سنگینی از فساد مالی و سوءاستفاده از قدرت نزد دادگاه دارد، کسی که مورد نفرت میلیونها اسرائیلی است که هر هفته برای به زیر کشیدنش به خیابان ها می آیند، کسی که جنایات متعدد علیه مردم بیگناه فلسطین را سازمان داده و از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل تا به امروز یکی از فاشیست ترین و جانی ترین سیاستمداران اسرائیلی است، توسط تروریست های رژیم اسلامی یا حزب الله لبنان، مایه خوشحالی میلیونها فلسطینی شود، آیا محمد آسنگران حاضر است با همین استدلال «در کنار جبهه سوم ایستادن» و در خوشحالی مردم شریک شدن، آنرا توجیه کند؟ آیا حاضر است از ترور فردی که یک ماشین دولتی برای ترور زیر دست دارد، و تنها «تروریست قانونی» در چشم «جامعه جهانی» است، بعنوان کم شدن یک جانی در جنگ تروریست ها، مانند امروز اظهار شغف و شادی کند و آنرا با صدای بلند به گوش همه برساند؟ ... صفحه بعد

محمد آسنگران در دو بحث نوشتاری و تصویری، بطور مفصل، مشغول برشمردن «مزایای» ترورهای اسرائیل برای کمونیست ها و مردم ایران است. ایشان مدعی شده که ترورهای اسرائیل علیه جمهوری اسلامی موجب تضعیف این رژیم و به همین دلیل از طرف کمونیست ها قابل حمایت اند. برای اقتناع دیگران هم، «شادی مردم» ایران از این واقعه را به شاهد گرفت که مواضع و تشخیص ایشان کامل و شامل است.

گفته های ایشان ابداعات جدیدی نیستند؛ سال ها قبل، در دوره ای که بحث حمله نظامی امریکا به ایران بود، در فضایی که نگرانی از ویرانی جامعه موج میزد، اصغر کریمی، از رهبری همین حزب، در کمال ناباوری اندر فواید چنین جنگ احتمالی قلم فرسایی کرد و استدلال آورد که انقلاب اکتبر هم در دل جنگ شکل گرفت!

با همین خط و نگارش، در متن شکل گیری سناریوی سیاه در سوریه، حزب اینها، جزو اولین های سیاست در ایران بود که بر طبل «بعد از سوریه نوبت ایران است» کوبید. از نظر اینها، ارتش آزاد سوریه، این وحوش سازماندهی و تجهیز شده توسط ناتو و امریکا در جنگ علیه سوریه، «انقلابیونی» بودند که این حزب در صورت امکان و توانایی، برایش نیروی کمکی می فرستاد. ارتش آزاد که داعش و جبهه النصر اعضا آن بودند از طرف این حزب بعنوان انقلابیون سوریه و جنگجویان آزادی مورد دفاع قرار گرفتند.

قبل از سوریه، در جریان ویران سازی جامعه لیبی، لیدر این حزب کشف کرد که مهم نیست هدف ناتو چیست، مهم این است که مباران توسط بمب افکن های ناتو کمکی به پیشروی انقلاب در آن کشور بود!

امروز بعد از نزدیک به دو دهه، هنوز جامعه عراق اسیر باندهای مسلح اسلامی و قومی است. مردم بیگناه سوریه که اعتراضات شان قربانی دخالت دول و نیروهای ارتجاعی شد، هنوز تاوان «دخالت بشر دوستانه» امریکا را میدهند. لیبی که خیلی بدتر، امروز به عصر بربریت برگشته و رسماً و علناً بازار فروش انسان در شکل برده توسط جانیان حاکم بر این ویرانه است.

شکست پشت شکست امریکا در پیشبرد استراتژی خود در خاورمیانه، و به دنبال فروریزی دیوار امیدهای ارتجاعی این «چپ»، و البته بی آبرویی در خارج صفوف شان، ظاهراً تعدادی را بیدار کرد. و از این میان، کسی میان آنها، کسی مانند محمد آسنگران، به خود آمده و نقد محملی خط حاکم بر آن حزب را در پیش گرفته است. اما این نقد و این اعتراض قسطی به خط ارتجاعی حمید تقوایی، نرم و درون خانوادگی است و به همین دلیل قادر به فاصله گرفتن از بستر اصلی خود نیست! به همین دلیل، با هر ترور مهره های جمهوری اسلامی توسط متحدین غرب، شور و شوق و انرژی و امید به فشار غرب و متحدین منطقه ای آن، امید به «تضعیف جمهوری اسلامی» و باز شدن دریچه «انقلاب»، او را سر جای اصلی خود، پیش حمید تقوایی برمیگرداند. این واقعیت نشان میدهد که سنت این حزب در کادربندی باسابقه شان، به همین سادگی جاروشدنی نیست.

به هر حال بگذارید اولین استدلال های ایشان در حمایت از ترورهای اسرائیل در ایران را مرور کنیم.

البته ایشان بعنوان کاسه داغتر از آش مرتب بر اینکه «معلوم نیست این ترور کار اسرائیل است» م ممکن است تصفیه درونی باشد» تاکید میکنند و در شرایطی که حتی مقامات امریکایی از مسئولیت اسرائیل در این ترور میگویند و هشدار میدهند، اینکه انگشت اتهام به طرف اسرائیل نشانه می رود را کار جمهوری اسلامی و بی بی سی و .. میدانند، تلاش در توجیه تروریسم دولتی اسرائیل تا این حد را فقط از طرف دست راستی ترین ژورنالیستهایی که تلاش میکنند فشار احتمالی بر دولت اسرائیل را خنثی کنند، میتوان دید.

آسنگران پس از اینکه با اکراه احتمال ترور از طرف اسرائیل را قبول میکنند، میگویند: «جمهوری اسلامی مشغول تولید سلاح هسته ای است و اسرائیل هم به عنوان اولین کشور در خطر، در مقام دفاع از خود برآمده است!» علیرضا کیانی، نماینده فرسگر در برنامه چشم انداز تلویزیون ایران اینترنشنال بعد از تبریک ترور فخری زاده با همین استدلال در دفاع از اسرائیل میگوید: «این ترور به معنای تروریسمی که میشناسیم نبوده. جمهوری اسلامی ایران را در شرایط جنگی با اسرائیل زده است. اسرائیل هم در حالت جنگی یکی از آدمهای اردوگاه مقابل را کشته»، و «اسرائیل در دفاع از خودش دست به این ترور زده است».

محمد آسنگران، همانند علیرضا کیانی، دلیل کشمکش امریکا و بعدا اسرائیل با جمهوری اسلامی را پروژه این رژیم جهت ساخت بمب اتمی

وقتی به تاریخ فعالیت های تقریباً پانزده سال گذشته این حزب می نگریم، در تمام مقاطع، دل خوش کردن این حزب به هر تحرک ارتجاعی ضد جمهوری اسلامی، از اعتراض قوم پرستان احوازی تا قوم پرستان ترک، تا پدیده ظهور هخا در سیاست ایران، داستان شاهکارهای این حزب از دل بستن به ارتجاع عریان و به هر سناریویی علیه جمهوری اسلامی است. حمایت اینها از ارتجاع سبز و تلاش در تحویل دادن رهبری آن از موسوی به حمید تقوایی در جریان آن، تا حمایت از دخالت نیروهای امریکا و متحدین شان جهت فشار به جمهوری اسلامی، این جریان را به یکی از نیروهای متکی به ارتجاع داخلی و خارجی تبدیل کرده است. تقدیم لقب «کمک به انقلاب» به جنگنده های ناتو در لیبی، حمایت آتشین از وحوش ناتو و امریکا در سوریه، غش کردن برای فشارهای ترامپ فاشیست به جمهوری اسلامی، توقع از «جامعه جهانی»، دقیقاً به سبک مجاهد، برای جایگزینی جمهوری اسلامی با اینها، جان سختی اینها را در اتکا به هر نوع سناریو و توسط هر نیروی جنایتکار و فاشیستی، میسراند. ارزیابی از نقش ترورهای اسرائیل در ایجاد شکاف و به جان هم انداختن جناح های رژیم اسلامی، چیزی جز بسته بندی ترورهای اسرائیل، مانند بسته بندی بمباران های لیبی توسط ناتو بعنوان «کمک به انقلاب لیبی»، و به رسمیت شناختن ویرانی سوریه توسط امریکا و ناتو به عنوان گامی در جهت تضعیف جمهوری اسلامی، همه و همه در جهت پیشبرد یک سیاست استراتژیک اتکا به قدرت های جهانی و منطقه ای برای سرنگونی رژیم اسلامی است. این سیاست، از روز اول صاحب داشته است؛ مجاهد، رضا پهلوی و فاشیست های فرسگر، قوم پرستان رنگارنگ، نیروی اصلی پشت این سناریو از روز اول بوده اند. حزب کمونیستی کارگری در سالهای اخیر و بسیار بعد از اینها وارد این عرصه شد، اما امروز گوی سبقت را از آنها ربوده است.

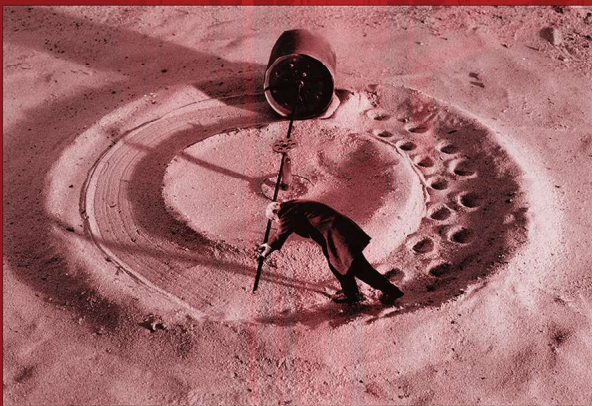
بطور قطع پاسخ منفی است! پاسخ دقیق او برای من روشن نیست، اما پایه های استدلال او همان است که در سناریوی سیاه در سوریه، اینها را پشت ارتش آزاد سوریه و لشکر وحوش سازماندهی شده توسط ناتو و امریکا، برد. در منطق سیاسی اینها، چه ترور، چه سناریوی سیاه، چه کودتا، چه تحریم، چه «دخالته بشردوستانه» امریکا و ناتو به شرط رساندن ضرری به جمهوری اسلامی، توسط هر فاشیستی و برای هر هدفی که باشد، و حتی اگر میلیون ها نفر را به خاک و خون بکشد، در خدمت انقلاب شان، قابل حمایت و در جبهه «مردمی» است! در دنیای ضد اجتماعی و مالیخولیایی آسنگران همه چیز نسبی است. تروریسم دولتی خوب و بد داریم، تروریسم جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی و نیروهای دوست یا متحد جمهوری اسلامی «تروریسم بد» و تروریسم دولت اسرائیل و امریکا و دشمنان یا مخالفین جمهوری اسلامی «تروریسم خوب» است. اولی به ضرر انقلاب و مردم و دومی به نفع مردم و انقلاب و کائنات است! اما اگر به دنیای واقعیات برگردیم. تروریسم دولتی اسرائیل مانند فضای جنگی امریکا، مانند تحریم اقتصادی شرایط را برای جمهوری اسلامی در ایجاد فضای ارباب و سرکوب، برای تحمیل فقر و فلاکت باز میکند. در ترور اخیر هم جمهوری اسلامی برای نشان دادن قدرت لطمه خورده خود، برای نشان دادن توان دستگاه امنیتی در دفاع از نظام، سراغ زهر چشم گرفتن از مردم خواهد رفت. کسی که ریگی به کفش ندارد و دفاع از زندگی و مبارزه مردم و جبهه سوم امرش است این مخاطرات را میبیند و آنرا مبنای سیاست خود قرار میدهد.

ارائه یک تصویر انقلابی از ترورهای اسرائیل

نوشته کتبی محمد آسنگران در مورد ترورهای اسرائیل در طول تمام سالهای گذشته، توضیحات در مورد ضربات اسرائیل به مراکز اتمی و غیر اتمی، و ترورهای آن در ایران، به حدی مفصل است و به حدی دارای اطلاعات کار شده و همه جانبه است، که فرد نا آشنا به قضیه، از مصرف اینهمه انرژی برای جمع آوری تمام اطلاعات و ریزه کاری های ضربات اسرائیل به جمهوری اسلامی، متعجب میشود. اما سوال این است که موتور حرکت برای این کار چیست؟ آسنگران برای مخاطبین خود هدف زحمات خود را روشن میکند؛ در جمع بندی تأثیرات این ترورها و ضربات اسرائیل، در فایل صوتی خود، دست مریدترین تحلیلگران هوادار دولت اسرائیل و امثال منشه امیر در رادیو اسرائیل را از پشت بسته و میگوید «با ضربات متعدد اسرائیل به سیستم امنیتی جمهوری اسلامی، شکاف عمیقی در آن ایجاد شده که همه جناح های جمهوری اسلامی را به جان هم انداخته است!» در مت کشف این لرزه بر اندام جمهوری اسلامی، احساس کرده است که مواضع خود را با میخ در مغز مخاطب جای داده و با اعتماد به نفس از مخاطب فرضی خود سوال میکنند که آیا این تعرضات به سپاه پاسداران باید محکوم شود؟ آیا فردا ترور خامنه ای باید محکوم شود؟ او حق دارد که حزب حکمتیست (خط رسمی) را بعنوان نیرویی خطرناک به شنونده و خواننده خود معرفی کند. از منظر آسنگران دولت اسرائیلی که مشغول است «کار جمهوری اسلامی را تمام کند»، و آزادی مد نظر اینها را کف دست شان بگذارد، با مانع حکمتیست های (خط رسمی) روبرو است. عنوان کردن چنین نیرویی، به نام راست و هوادار جمهوری اسلامی و چپ ضدامپریالیستی، انصافاً و حقیقتاً نشان اوج خویشترداری و لطف به این دشمن حکمتیستی است که مانع پیشروی انقلاب سیاه اینهاست. شخصاً مانده ام چه کسی با تذکر دوستانه، مانع فراخوان جهاد «مردمی» ایشان علیه ما شده است!

در دنیای واقعی در مسیر سرنگونی، دو بدیل در مقابل این جامعه قرار گرفته است. یک بدیل کمونیست هایی اند که بر سازماندهی جامعه مقدم بر همه طبقه کارگر، برای جارو کردن این نظام و استقرار یک حکومت کارگری می جنگند. بدیل دیگر نیروهایی اند که بر حمایت ارتجاع جهانی یا منطقه ای، بر نقش فشار ناتو و امریکا و متحدین آنها، در کنار جلب رضایت جناح هایی از سپاه و بوروکراسی حاکم تأکید دارند.

ناسیونالیسم چپ و تاریخ مبارزه کمونیستی در کردستان



K-O-M-A-L-A-0-1-2-3

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

مردم دفاقر دولتے احزاب حاکم کردستان را به آتش کشیدند

اعتراضات توده ای علیه فساد، وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی، عدم پرداخت حقوقها و اوضاع معیشتی غیرقابل تحمل در شهرهای کردستان عراق همچنان ادامه دارد. امروز دوشنبه ۷ دسامبر این اعتراضات با شدت بیشتری به شهرهای دیگر از جمله رانیه، سید صادق، چمچمال و کفری گسترش یافته است. خبرها حاکی از آن است که در رانیه ۲۰ تظاهر کننده زخمی و ۲۰ نفر هم دستگیر شده اند. در چمچمال جوانی ۲۶ ساله جانباخته است و جوان دیگری هم زخمی شده است. مردم معترض سیدصادق جاده مابین سلیمانیه و حلبچه را به کنترل خود در آوردند.

در شهر سید صادق تظاهرکنندگان خشمگین به مقر احزاب «حزب بارزانی»، «اتحادیه میهنی»، «جنبش گوران»، «جماعت اسلامی»، «اتحاد اسلامی»، دفتر فرماندار شهر و ساختمان پلیس و منزل فرماندار، حمله کرده و دفاقر احزاب را به آتش کشیده اند. در این تظاهرات یک پلیس و دو تظاهرکننده زخمی شده اند.

این سطح از تظاهرات و چنین سطحی از خشم و نفرت عمومی از احزاب و دولت اقلیم در کردستان عراق به طور قطع نتیجه سه دهه حکومت احزاب ناسیونالیست و باندهای مسلح است که زندگی مردم را به تباهی کشیده اند. مردم معترض و متنفر از حاکمیت چپاولگر و ناسیونالیست کرد، که جز فقر و فلاکت و بیحقوقی ارمغانی برای طبقه کارگر و مردم محروم نداشته است، بیش از این وضعیت فلاکت‌بار و مختنق را تحمل نخواهند کرد و این حکام فاسد را به زانو در خواهند آورد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) همزمان که تعرض احزاب و میلیشیای احزاب ناسیونالیستهای کرد به صفوف تظاهرکنندگان را به شدت محکوم می کند، خود را در کنار مردم معترض می داند و از مطالبات مردم معترض برای دستیابی به رفاه و آزادی دفاع می کند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۷ دسامبر ۲۰۲۰

دولت اقلیم کردستان جواب اعتراض به فقر و فلاکت را با گلوله داد

روز سه شنبه ۸ دسامبر با وجود ایجاد منع رفت و آمد و برقراری نوعی حکومت نظامی و قطع اینترنت اعتراضات توده ایی گسترده در بیشتر شهرهای کردستان عراق همچنان ادامه داشت. شهرهای پنجوین، چمچمال، سیدصادق، تکیه، پیره مگرون، کلار، کفری، خورمال و شاره زور و تعداد دیگری از شهرهای کوچک و بزرگ صحنه تظاهرات گسترده مردم بر علیه دولت اقلیم و احزاب حاکم بودند. تظاهرات تا پاسی از شب با گستردگی ادامه داشت. در بسیاری از شهرها مردم خشمگین از سه دهه حاکمیت فاسد بورژوازی کرد دوباره مقرهای احزاب شریک در حکومت و همچنین ساختمانهای حکومتی و احزاب آن را به آتش کشیدند.

نیروهای سرکوبگر به دستور دولت کردی به مردمی که مطالبه نان و معیشت و زندگی انسانی را داشتند، شلیک کردند. به مردم معترض به فساد، دزدی و چپاول ثروت و سامان جامعه، شلیک کردند و بنا به گزارشها تا کنون ۹ تا ۱۰ نفر در شهرهای مختلف جان باخته و بیشتر از ۸۰ نفر زخمی شده اند.

دولت بورژوا ناسیونالیست کرد، مانند هر دولت بورژوازی و ارتجاعی دیگری جواب گرسنگی، فقر، فلاکت و خواست تامین معیشت و آزادی را با گلوله میدهد و به کودک ۱۰ ساله و جوان و پیر رحم نکرد. احزاب کرد هیچوقت برای سرکوب و چپاول و اعمال حاکمیتش با زور اسلحه توهمی نداشته و امروز، در دفاع از حاکمیت خود و در رویارویی مستقیم با مردمی که علیه سی سال فساد مالی و چپاول این احزاب به میدان آمده اند، بیشتر از هر زمان دیگری چهره واقعی خود را نمایان کرده است. سی سال حاکمیت احزاب کردی، سی سال «کردایه تی»، فریب «دولت خودی» و فساد مالی و چپاول، سی سال فقر و اختناق کمترین توهم به دولت کردی و «خودی» را در میان مردم کردستان از بین برد. امروز به گلوله بستن مردم معترض را هم باید در تاریخ سیاه این احزاب ثبت کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) تعرض و کشتار مردم به جان آمده از فقر، فلاکت و فساد حاکمیت را از طرف دولت اقلیم کردستان به شدت محکوم کرده و خود را در این مبارزه در کنار و در سنگر مردم معترض و همه آزادیخواهان و کمونیستها در کردستان عراق می داند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۸ دسامبر ۲۰۲۰

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی